

The effect of abandonment on ownership in cyberspace

Mostafa Bakhshi¹, Beitollah Divsalar^{2*}, Parviz Zokaiyan³

1. PhD student, of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran.
2. Assistant Professor, Islamic Jurisprudence and Law Department, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran: (Responsible Author).
3. Assistant Professor, Islamic Jurisprudence and Law Department, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 67-84

Article history:

Received: 16 Jan 2023

Edition: 14 Feb 2023

Accepted: 21 Feb 2023

Published online: 9 April 2023

Keywords:

abandonment, ownership, virtual space, jurisprudence, material property.

Corresponding Author:

Beitollah Divsalar

Address:

Iran, Chalous, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Chalous Branch, Islamic Azad University.

Orchid Code:

0000-0002-1227-6405

Tel:

09111250198

Email:

beitollahdivsalar@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: in this article, firstly, the effects of abandonment to material property will be discussed, and then, according to these works, the effect of abandonment on ownership in virtual space will be examined from the point of view of jurisprudence.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Findings: abandonment to ownership do not cause a person's ownership to decline, those in favor of the loss of ownership believe that after the abandonment, the ownership right in cyberspace is considered as public property, and it will be impossible to acquire it even by the previous owner himself.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Conclusion: According to the jurists who believe in the decline of ownership, defects in material property are a negative condition of the relationship of ownership, which is not only with the intention of abandoning usufruct. Rather, leaving usufruct is done with the intention of terminating the relationship of ownership, that too by choice and without coercion or fear or incapacity and forgetfulness and the property is exposed to loss. The theory of non-expropriation of valuable property due to symptoms is stronger in terms of appearance and rational and narrative evidence.

Cite this article as:

Bakhshi M, Divsalar B, Zokaiyan P. The effect of abandonment on ownership in cyberspace. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022-2023

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره پنجم، شماره اول، بهار ۱۴۰۲

تأثیر اعراض بر مالکیت در فضای مجازی

مصطفی بخشی^۱، بیت الله دیوسالار^{۲*}، پرویز ذکائیان^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.
۲. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسئول).
۳. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در این مقاله، آثار اعراض بر اموال مادی و سپس با توجه به این آثار، تأثیر اعراض بر مالکیت در فضای مجازی از منظر فقه مورد بررسی قرار گیرد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری و روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتاب‌ها و مقاله‌ها صورت گرفته است.

یافته‌ها: اعراض بر مالکیت موجب زوال مالکیت شخص نمی‌شود. موافقان زوال مالکیت معتقدند پس از اعراض، حق مالکیت در فضای مجازی، از جمله اموال عمومی محسوب می‌شود و تملک آن حتی توسط خود مالک قبلی نیز غیرممکن خواهد بود.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: از نظر فقهای معتقد به زوال مالکیت، اعراض در اموال مادی به شرطی سالب رابطه مالکیت است که صرفاً به قصد ترک انتفاع نباشد؛ بلکه ترک انتفاع با نیت قطع رابطه مالکیت صورت پذیرد؛ آن‌هم اگر با اختیار و بدون اجبار یا ترس یا عجز و نسیان و مال در معرض تلف قرار گیرد. نظریه عدم سلب مالکیت اموال با ارزش بر اثر اعراض به لحاظ ظاهری و ادله عقلی و نقلی از استحکام بیشتری برخوردار است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۷-۸۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰

واژگان کلیدی:

اعراض، مالکیت، فضای مجازی، فقه، اموال مادی.

نویسنده مسئول:

بیت‌الله دیوسالار

آدرس پستی:

ایران، چالوس، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی.

تلفن:

۰۹۱۱۱۲۵۰۱۹۸

کد ارکید:

0000-0002-1227-6405

پست الکترونیک:

beitollahedivsalar@gmail.com

۱. مقدمه

اعراض مصدر باب افعال از ریشه «عرض» به معنای روی گردانیدن و انصراف است ولی در اصطلاح فقهی و حقوقی به معنای روی گردانیدن از چیزی است که در سلطه آدمی قرار دارد. اعراض به معنی رفع ید اختیاری از عین مال یا حق است. در کتاب-های فقهی مصادیقی از اعراض مالکیت بیان شده است. مسائل مربوط به اعراض که در حقوق اغلب کشورهای غربی با اصطلاح «abandonment» یا واژه‌ای هم‌ریشه با آن مطرح می‌شود. در قانون مدنی عنوان خاصی ندارد و تعریفی از آن نیامده است. فقط در ماده ۱۷۸ مقرر می‌دارد: «مالی که در دریا غرق شده و مالک از آن اعراض کرده، مال کسی است که آن را بیرون بیاورد» از این ماده به-اجمال می‌توان فهمید که اعراض سبب قطع رابطه مالکیت بین شخص و مال می‌شود و در زمره اموال مباح می‌آید. مالکیت در فقه امامیه مورد تأکید است و قاعده تسلیط از مشهورترین قواعد فقهی است. این قاعده تثبیت‌کننده ارکان مالکیت است و به علت جایگاه خاص اموال و مالکیت در زندگی روزمره بشر اهمیت و برجستگی خاص در بین سایر موضوعات دارد. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۹۵). بی‌شک مهم‌ترین تحول در زندگی بشر در قرن بیست و یکم، پیدایش فضای مجازی است. در این فضا، اشیا و زمینه‌هایی به وجود آمد که بخش بزرگی از فعالیت-های بشر را در بر گرفت و موجب پیدایش مسائل بسیاری در زندگی انسان شد. از جمله این مسائل، مالکیت بر اشیای مجازی در فضای مجازی است. با اینکه این غرب بود که فضای مجازی را بنیان گذاشت و چنین نهادهایی در آن به وجود آورد؛ اما این فضا به سرعت همه جهان را در نوردید و ملت‌های دیگر نیز به سرعت وارد این فضا شدند. در این فضا اشیا و زمینه‌هایی پدید آمد که بخش

بزرگی از فعالیت‌های بشری را در بر گرفت و بسیاری از امور فضای زندگی واقعی در آن شبیه‌سازی شد و امور فراوانی در آن در قالب اشیای دارای کاربرد زندگی انسان تعریف شدند. این اشیا به دلیل کاربردهایشان و نیاز کاربران فضای مجازی به آن‌ها «مالیت» یافته‌اند و مالکیت بر آن‌ها معنادار شده است. پرسشی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن است این است که اعراض از مالکیت در فضای مجازی واجد چه آثار حقوقی خواهد بود؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش می‌توان در نظر گرفت این است که اعراض در اموال مادی به شرطی سالب رابطه مالکیت است که صرفاً به قصد ترک انتفاع نباشد، بلکه ترک انتفاع با نیت قطع رابطه مالکیت صورت پذیرد، آن هم اگر با اختیار و بدون اجبار یا ترس یا عجز و نسیان و مال در معرض تلف قرار گیرد. نظریه عدم سلب مالکیت اموال با ارزش بر اثر اعراض به لحاظ ظاهری و ادله عقلی و نقلی از استحکام بیشتری برخوردار است. مسئله اعراض از مالکیت به صورت محدود در پژوهش‌ها مورد توجه قرار گرفته است؛ اما نکته حائز اهمیت در پژوهش حاضر تمرکز بر مالکیت در فضای مجازی است که نوآوری آن نیز در همین امر است.

مقاله حاضر در پی تبیین مالکیت و اعراض مالکیت در فضای مجازی است. این تحقیق در چارچوب‌های فقهی انجام شده است؛ اما پژوهش‌های معمول فقهی، مالکیت را در فضای واقعی و مادی تبیین کرده‌اند و توسعه این بحث به فضای مجازی، مستلزم تحولاتی در چارچوب‌های موجود خواهد بود. بنابراین باید از «شیئیت» و «مالیت» در فضای مجازی نیز تصویر مناسبی یافت. اعراض از اموال مادی در قانون مدنی و برخی از قوانین خاص همچون قانون ثبت پذیرفته شده

تملک آن حتی توسط خود مالک قبلی ناممکن خواهد بود. از نظر فقهای معتقد به زوال مالکیت، اعراض در اموال مادی به شرطی سالب رابطه مالکیت است که صرفاً به قصد ترک انتفاع نباشد، بلکه ترک انتفاع با نیت قطع رابطه مالکیت صورت پذیرد، آن هم اگر با اختیار و بدون اجبار یا ترس یا عجز و نسیان و مال در معرض تلف قرار گیرد. نظریه عدم سلب مالکیت اموال با ارزش بر اثر اعراض به لحاظ ظاهری و ادله عقلی و نقلی از استحکام بیشتری برخوردار است.

۵. بحث

۵-۱. مفهوم شناسی فقهی

۵-۱-۱. مفهوم اعراض در فضای مجازی

اعراض در لغت به معانی صرف نظر کردن، روی گردانیدن، برگشتن، دامن درچیدن، نفرت داشتن و کراهت داشتن از چیزی آمده است (معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ۱۶۲). در علم حقوق به معنای چشم پوشی مالک از مالی از اموال خود به قصد ترک مالکیت است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱، ۶۳؛ قزوینی، ۱۴۱۴، ۲۹۰). در قانون مدنی اعراض تعریف نشده است، اما برخی از شارحان قانون مدنی، اعراض نمودن مالک از ملک خود را عبارت از صرف نظر کردن از حق عینی دانسته اند (امامی، ۱۳۸۰، ۱۴۲). همچنین حقوق دان دیگری (شهیدی، ۱۳۸۱، ۱۳۷) اعراض را چنین تعریف کرده است: «اعراض، عبارت است از اسقاط حق شخص نسبت به شیئی به اراده صاحب حق». برخی دیگر اعراض را روی گردانیدن از چیزی که در سلطه آدمی قرار دارد (محقق داماد، ۱۳۶۹، ۱۱) و چشم پوشی از حق مالکیت دانسته اند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۳۰۷). در این میان،

است؛ ولی در خصوص اعراض از اموال در فضای مجازی هیچ تحلیل فقهی وجود ندارد. باید توجه داشت که در حواشی و شرح مکاسب شیخ انصاری، تحلیل های بسیاری از مالکیت، مالیت و نیز حق وجود دارد که در این تحقیق از آنها استفاده شده است. با توجه به اینکه قانون گذار در ایران نیز دیر یا زود ناگزیر به وضع قوانین خواهد بود، این تحقیق می تواند برای تبیین آثار اعراض بر مالکیت در فضای مجازی موثر واقع شود.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت داری رعایت شده است.

۳. مواد و روش ها

این تحقیق از نوع نظری و روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و با مراجعه به اسناد، کتاب ها و مقاله ها صورت گرفته است.

۴. یافته های تحقیق

یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که غالب فقها قائل به زوال مالکیت هستند و اعراض از مالکیت را امکان پذیر دانسته اند؛ اما برخی دیگر معتقدند اعراض بر مالکیت موجب زوال مالکیت شخص نمی شود. موافقان زوال مالکیت معتقد هستند پس از اعراض، حق مالکیت در فضای مجازی از جمله اموال عمومی محسوب می شود و

فقهها نیز تعریفی از اعراض ارائه نکرده‌اند و در ضمن فروع فقهی، احکام آن را بیان نکرده‌اند.

در قانون مدنی تعریفی از اعراض وجود ندارد، بلکه این عبارت تنها در ماده ۱۷۸ درباره اموال غرق شده به کار رفته است که به زعم یکی از نویسندگان قانون مدنی می‌توان آن را به دیگر اموال نیز تعمیم داد و چنین استنباط کرد که اعراض از هر مالی که سبب اسقاط حق مالکیت شود آن را در شمار مباحات قرار می‌دهد؛ فلذا به حیازت قابل تملک خواهد بود.

با توجه به موارد فوق اعراض در فضای مجازی به دلیل گسترش استفاده از این فضا و ورود انسان به عرصه سایبری، ماهیت واقعیات از حقیقی به مجازی تغییر شکل می‌دهند. کاربر با ورود به دنیای مجازی وارد دنیایی شبیه به رؤیا می‌شود؛ به طوری که قوانین مرسوم فیزیکی مانند زمان، مکان، جاذبه، مسافت و ... در آن مفهومی ندارد. به بیان دقیق تر فضای مجازی بازتابی از حقایق دنیای زمینی بر بستر سیگنال‌ها و شبکه‌های ارتباطی الکترونیکی است. با این تفاسیر قوانینی مثل هویت و مالکیت در فضای مجازی همانند دنیای زمینی نخواهد بود. محتوای دیجیتال تولید شده توسط کاربران در زمان ذخیره سازی روی رسانه به صفر و یک تبدیل می‌شود. همین محتوا برای اینکه توسط تولیدکننده‌ای که مالک آن است برای دیگران ارسال یا به اشتراک گذاشته شود به فایل (صوت، متن، عکس، فیلم و...) تبدیل می‌شود. قاندا کاربر تولیدکننده (مالک) هر محتوایی است که در فضای مجازی تولید می‌کند. محتوای تولید شده در فضای مجازی به محض ارسال یا به اشتراک گذاری از مالکیت تولیدکننده خارج می‌شود. به بیان دقیق تر، کاربران مالک هیچ یک از محتوای تولیدی خودشان در این فضا نیستند. در واقع محتوای الکترونیک تا

زمانی در مالکیت کاربر قرار دارد که به اشتراک گذاشته نشود. با اشتراک گذاری آن، کاربر از مال خود اعراض کرده است و اعراض از هر مالی سبب اسقاط حق مالکیت می‌شود.

بنابراین به نظر می‌رسد اعراض را می‌توان چنین تعریف کرد: «از میان بردن، اسقاط و یا گسستن ارادی یک طرفه رابطه حقوقی میان مالک و ملک منقول یا غیرمنقول، مادی یا غیرمادی به گونه صریح، ضمنی و یا فرضی و مباح شدن مال به دنبال آن». بنابراین، اعراض هنگامی معنا می‌یابد که میان شخص در نقش اعراض کننده و موضوع اعراض، رابطه مالکانه باشد. اگر اعراض را ویژه حق عینی بدانیم نه رابطه مالکانه، تردیدی نیست که حتی اگر رابطه میان آفریننده اثر و آفرینه فکری را از نوع مالکیت بدانیم، اعراض درباره آن پنداشتی نخواهد بود. از این توضیحات و نیز آنچه پیرامون موضوع اعراض، یعنی رابطه حقوقی، گفته شده است، چنین برمی آید که تفاوتی در مادی بودن یا نبودن مال در راستای پیدایش اعراض نیست. برای نمونه، آفریننده اثر فکری در جایگاه مالک آن می‌تواند از ملک خود اعراض کند.

۵-۱-۲. مفهوم مالکیت و سیر تحول آن

تعریف مقولاتی چون مالکیت که پیدایش و تحول آن‌ها، تحولات تاریخی و اجتماعی در پی دارد، آسان نیست و اختلاف نظر در این امور بسیار است. این اختلاف نظر را می‌توان در بین فقیهان نیز مشاهده کرد. فقیهان پیشین، تعریف خاصی از مالکیت ندارند و به نظر می‌رسد به معنای لغوی و اتکاز عرفی قناعت کرده‌اند؛ اما جریان فقهی متأخر آن را تعریف کرده است. در این جریان چند تعریف وجود دارد.

از سوی دیگر، استعمال مالکیت برای افعال، استعمال عرفی نیست؛ بلکه استعمال اهل فن و حاصل توسعه حوزه استعمال آن است. اصل نظر شیخ نیز محل خدشه است. غاصب بر مال مغضوب سلطنت فعلیه دارد؛ نه صاحب مال؛ اما هیچ کس نمی پذیرد که غاصب را مالک به شمار آورند. بنابراین برخی، مالکیت را اعم از سلطنت فعلیه و شأنی می دانند تا مشکلات یادشده پدید نیاید (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۵۸).

این اصلاً راهگشا نیست. سلطنت مبدأ خود تصرف است؛ اما مالکیت مبدأ حق تصرف. سلطه از مبدأ قدرت به تصرف می انجامد؛ ولی مالکیت ملازم نیست. دیگر اینکه سلطه رابطه ای اختصاصی نیست و سلطه فرد بر شیء، مانع سلطه و امکان تصرف دیگران نخواهد بود؛ اما مالکیت رابطه ای اختصاصی است. حتی بر فرض اینکه سلطنت در مالکیت اخذ شده باشد، باز به دلیل اعم بودن از مالکیت، نمی توان مالکیت را تنها با سلطنت تعریف کرد؛ زیرا در ولایت نیز سلطه هست و اعم از فعلیه و شأنی.

۵-۱-۳. مفهوم مالیت

در باب مفهوم و معیار مالیت در بین فقیهان چند نظر دیده می شود. شیخ انصاری ملاک مالیت را «منافع محلله مقصوده» می داند. مراد شیخ از «مقصوده» قصد نوعی است؛ نه قصد شخصی. بنابراین، اگر شیئی منفعت حلال نداشته باشد یا منفعت حلال آن نوعاً مورد توجه نباشد، آن شیء مالیت ندارد. به نظر می رسد شیخ این دیدگاه را از گذشتگان برگرفته است و بیشتر شارحان مکاسب نیز به این دیدگاه اعتراض نکرده اند و ظاهراً عدم اعتراضشان نشانه پذیرش آن است. بر این اساس، می توان این دیدگاه را قول مشهور فقیهان شیعه

شیخ طوسی می نویسد: «مالک کسی است که بر تصرف در حالش توانا باشد؛ تصرفی که دیگری نتواند مانع آن شود.» این تعریف حتی اگر برای مالکیت حقیقی درست باشد، برای مالکیت اعتباری درست نیست. مالکیت با قدرت بر تصرف عینی معادل نیست و ممکن است مالک ناتوان از تصرف باشد. حتی اگر مراد از توانایی، صرفاً جواز قانونی باشد، باز مالکیت با جواز تصرف مساوی نیست. مالکیت رابطه ای اختصاصی میان مالک و مملوک است، اما مانع هر تصرف دیگر نخواهد بود. حقوق دانان تعاریف مختلفی از مالکیت ارائه داده اند در یک تعریف آمده است: «حقی دائمی است که به موجب آن شخصی می تواند حدود قوانین تصرف در مالی را به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده کند» (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ۱۰۲). در تعریف دیگر از این نهاد آمده است: «مالکیت رابطه ای بین شخص و شیء مادی تصور شده و قانون نیز آن را معتبر شناخته و به مالک، حقوقی می دهد که انتفاعات ممکنه را از آن ببرد و کسی نتواند از او جلوگیری کند».

شیخ انصاری ملکیت را «سلطنت معینه» می داند. دلیل ایشان بر این مدعا دو نکته است: یکی اقتضای سنت و دیگری عمومیت لفظ در اعیان و افعال باهم؛ بلکه ظهور مالکیت در خصوص سلطنت بر افعال قوی تر است. او بر این اساس، نسبت کودک را با اموالش از نسخ مالکیت به شمار نمی آورد؛ ولی برخی تصرفات مالی مانند وصیت، وقف و صدقه را از نسخ مالکیت می داند؛ زیرا اعیان مال کودک اند، اما تصرف او تنها به برخی از افعال محدود است. (انصاری، ۱۳۶۶، ۱۸۴) بر هر دو استدلال شیخ می توان اشکال کرد. از نظر لغوی، استعمال مالکیت برای نسبت کودک با اموالش حقیقت است، نه مجاز.

دانست. مرحوم خویی بر این نظر اشکال می‌کند که صرف عدم توجه عرف به یک منفعت، چیزی را از مالیت ساقط نمی‌کند و قصد منفعت نادر هم به چیزی مالیت نمی‌دهد؛ بلکه معیار مالیت، منافع آشکار است (موسوی، ۱۶۱۲، ۱۱۲). برای اینکه روشن شود چرا قید «محلله» در تعریف مالیت زاید است، به مثالی اشاره می‌کنیم. برخی در مالیت بیت‌کوبین تشکیک کرده‌اند. با فرض درستی این نظر، تصور کنید دولت می‌خواهد به کسانی که زیر یک میلیون تومان در ماه درآمد دارند، یارانه پرداخت کند. فرض کنید فردی درآمد ریالی ندارد، اما در یک ماه یک بیت‌کوبین، معادل هشت‌هزار دلار درآمد دارد. آیا به این شخص یارانه تعلق می‌گیرد؟ بر فرض عدم مالیت بیت‌کوبین، باید به این شخص یارانه تعلق بگیرد که قطعاً خلاف مقصود توزیع یارانه است. بنابراین، نظری که مالیت را تنها تابع این نکته می‌داند که می‌توان در برابر آن رغبت، پولی گرفت، درست است؛ اما دولت می‌تواند حمایت و ضمانت قانونی را نپذیرد از مالی که در چارچوب‌های پذیرفته‌شده نیست. شاید با توجه به این اشکال است که در برخی دیدگاه‌ها، قید «محلله» وجود ندارد. برای نمونه، بنابر دیدگاهی، ملاک مالیت، آن اعتبار عقلایی در اعیان و منافع است که ناشی از نیاز و منفعت قابل توجه باشد (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹، ۱۲۹). اگر ملاک اعتبار عقلا تنها نیاز و منفعت قابل توجه باشد، باز شامل موضوعاتی چون روابط زوجین می‌شود. بنابر دیدگاه دیگر، مالیت، اعتباری عقلایی است و ملاک آن رغبت انسان است؛ اما لازم نیست رغبت عقلایی و عمومی باشد. یعنی عقلاً تصدیق کنند اگر در برابر رغبتی می‌توان مالی گرفت، آن رغبت موجب مالیت می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ۲۶-۲۷). تعاریفی که حقوق‌دانان از مفهوم مال و مالیت در حقوق

ایران ارائه کرده‌اند: مال به چیزی گفته می‌شود که بتواند مورد دادوستد قرار گیرد و از نظر اقتصادی ارزش مبادله داشته باشد و علاوه بر این مفید بوده باشد و نیازی را برآورده کند و قابلیت اختصاص به شخص یا ملت معینی را داشته باشد. برخی از حقوق‌دانان عناصر دیگری از قبیل «مشروع بودن» و قابل تقویم بودن نفع مورد نظر از مال را نیز به موارد فوق اضافه کرده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱، ۳۵). در نتیجه به نظر می‌رسد، برای مال قلمداد کردن هر چیزی، لازم است چهار شرط را برای آن احراز کرد: اول اینکه مال باید منفعت عقلایی داشته باشد؛ دوم اینکه مال باید بتواند یک نیاز مادی یا معنوی را برطرف کند؛ سوم اینکه، مال باید قابلیت اختصاص یافتن به شخص یا اشخاصی را داشته باشد؛ چهارم اینکه، مال باید مشروع باشد.

۴-۱-۵. مفهوم فضای مجازی

فضای مجازی چیست؟ فضای مجازی مجموعه‌ای به هم پیوسته از موجودات زنده از طریق رایانه و ارتباطات راه دور بدون در نظر گرفتن جغرافیای عینی است. فضای مجازی فضا و اجتماع شکل-گرفته توسط رایانه، شبکه‌های رایانه‌ای و کاربران است. فعالیت‌هایی که در این فضا اتفاق می‌افتد از جمله تبادل اطلاعات و راه‌هایی برای تجمع اطلاعات (مثل گردهمایی خبری...) از تعاریف فوق می‌توان فضای مجازی را چنین تعریف کرد: محیطی است مجازی و غیرملموس، موجود در فضای شبکه‌های بین‌المللی که در این محیط تمام اطلاعات درباره روابط افراد، فرهنگ‌ها و ملت-هاست. تحلیل فقهی بر تحلیل فلسفی ماهیت این فضا مبتنی نیست؛ اما نگاه کارکردی به آن برای فقیه مهم است. از مهم‌ترین ویژگی‌های فضای

نوع مالکیت تنها راه کشف اعراض مالک یا صاحب حق، انجام اعمالی برخلاف منافع خود یا اعلان صریح آن توسط او است. مالکیت در فضای مجازی را می‌توان در سه سطح مطرح کرد. در سطح اول که با محوریت دنیای مجازی روبه‌رو هستیم، مالکیت مجازی تنها یک کد یا دستورالعمل رایانه‌ای است و توسط قانون کپی‌رایت حمایت می‌شود. در سطح دوم، اشیا و اقلام، شبیه به آنچه در جهان واقعی وجود دارد، یافت می‌شود. در سطح سوم، می‌توان مالکیت مجازی را مالکیت معنوی دانست مانند کتابی که در جهان مجازی بر روی یک وبسایت جهت فروش در معرض نمایش قرار گرفته است. درحالی‌که این کتاب خود یک شکل قابل لمس (مجازی) از شیء است. همین کتاب نشان‌دهنده تصویر و نمادی ملموس از کپی‌رایت در کتاب است (تاپلین، ۲۰۲۰، ۶۱-۶۲).

مالکیت در فضای مجازی دارای سه مؤلفه اصلی است: منع کنندگی، ثبات و پایایی، به هم پیوستگی. اولین مؤلفه، منع کنندگی است. در جهان فیزیکی، قابلیت رقابتی بودن مالکیت به مالک اجازه می‌دهد دیگر اشخاص را از آن منع کند. منع کنندگی مالکیت مجازی به موقعیتی اشاره دارد که یک فرد مالک و کنترل‌کننده بخش خاصی از مالکیت مجازی است و می‌تواند دیگران را از انجام همان منع کند (اسکمیت، ۲۰۱۷، ۵۵۰). مثال خوب از مالکیت مجازی رقابتی یک ایمیل آدرس است. یک ایمیل آدرس به عنوان یک مایملک شخصی محسوب می‌شود. وقتی یک فرد مشغول استفاده از آدرس ایمیل برای خود است، فرد دیگر حق استفاده از همان آدرس ایمیل به عنوان آدرس ایمیل شخصی ندارد. هیچ‌گاه دو نفر نمی‌توانند در آن واحد یک آدرس ایمیل یکسان داشته باشند. البته، دیگران می‌توانند به آن آدرس ایمیل

مجازی این است که فضای ارتباطی، در گسترده‌ترین معنای ارتباطات است. از یک گفت‌وگوی ساده دو نفره تا یک محیط آموزشی تا فضای تعاملات اقتصادی و مجادلات سیاسی. فضای مجازی یک محیط کار است و البته محیط کار بودن آن، چیزی بیش از فضای ارتباطی بودن است. فضای مجازی یک محیط شخصی برای کارهای شخصی و ذخیره اطلاعات و نیز بازی‌های یک نفره نیز به‌شمار می‌آید. همچنین فضای مجازی عرصه انواع جنگ‌ها و فعالیت‌های خراب‌کارانه نیز است (فروهلچ، ۲۰۲۱، ۴۱-۴۲). ویژگی مهم دیگر فضای مجازی آن است که این فضا در مقایسه با فضای طبیعی بسیار رؤیایی است. کاربر در آنجا کارهایی می‌کند که اساساً در فضای طبیعی ناممکن است. در فضای مجازی، مرزهای زمان و مکان در نور دیده می‌شود؛ سرویس‌دهنده در آنجا می‌تواند سرویس‌هایی ارائه دهد که در فضای واقعی چیزی جز رؤیا نیست و کاربر نیز می‌تواند کارهایی انجام دهد که در فضای واقعی رؤیاست و حتی می‌تواند از سرویس‌دهنده‌ها فراتر رود (اکلی، ۲۰۲۰، ۱۲-۱۱). به نظر می‌رسد، کاربر در مواجهه با فضای مجازی چنان است که گویی در فضای حقیقی است و اگر در فضای مجازی زیاد فعالیت کند، در فضای واقعی احساس تنگنا می‌کند. ارتباط با فضای مجازی از طریق سخت‌افزارهایی است که در اختیار کاربر است.

۵-۲. امکان وقوع اعراض بر مالکیت در فضای مجازی

با توجه به اینکه در متون فقه و قانون ایران طریقی برای اعراض از مالکیت در فضای مجازی پیش‌بینی نشده است؛ بنابراین به واسطه غیرمادی بودن این

بفرستند؛ اما فقط کاربر آن آدرس قادر به دسترسی و کنترل خواهد بود. بر این اساس، رقابتی بودن عامل تعیین‌کننده‌ای است که مالکیت مجازی را از دیگر اشکال مالکیت غیرمادی و به‌ویژه از مالکیت معنوی متمایز می‌کند.

دومین مؤلفه، ثبات و پایداری است. هنگامی که کاربر از دنیای مجازی خارج می‌شود یا رایانه‌اش را خاموش می‌کند، این مالکیت به هیچ‌وجه از بین نمی‌رود یا برای همیشه محو نمی‌شود. در واقع این مالکیت طوری کدگذاری شده است که پایا و بادوام باشد و بعد از هر بار استفاده یا اجرا از بین نرود. اگر این مالکیت پایا و بادوام نبود، آنگاه هیچ‌کس تمایل به سرمایه‌گذاری در کسب آن اموال نبود و بی ارزش می‌شد. بنابراین، دنیای مجازی از اموال مجازی تشکیل شده است و اگر این اموال و مالکیت ثبات و دوام نداشته باشد، دنیای مجازی هم دوام نخواهد داشت. سومین مؤلفه، مالکیت مجازی به‌هم پیوستگی است. این مؤلفه با الزام تعامل در دنیای مجازی ارتباط تنگاتنگ دارد. به‌هم پیوستگی چندین کاربر را قادر می‌سازد که در اینترنت برخیزند و در دنیای مجازی باهم تعامل کنند و از منابع مشترک استفاده کنند. تمام این کارها باید به‌طور هم‌زمان رخ دهد. با توجه به اینکه مردم می‌توانند اموال مجازی مشترکی را بازدید و استفاده کنند، ارزش اموال افزایش می‌یابد (تاپلین، ۲۰۲۳، ۳-۴). در مجموع به‌نظر می‌رسد اعراض مالکیت در فضای مجازی، شباهت بسیار نزدیکی به مالکیت دنیای واقعی و خصوصاً اشیای دنیای واقعی دارد. طبقه‌بندی اشیای دنیای واقعی درباره اشیای مجازی اعمال شد تا بتوان میزان مقایسه و تفاوت آن‌ها را بررسی کرد. نتایج این مقایسه نشان می‌دهد درحالی که می‌توان از طبقه‌بندی اشیای دنیای واقعی در دنیای مجازی فاصله گرفت؛ اما طبقه-

بندی اشیای مجازی تقریباً در اکثر موارد و شرایط شبیه دنیای واقعی است.

با بررسی‌های انجام‌شده در خصوص اموال مادی، بر فرض ثبوت اعراض، تقریباً همه فقها و حقوق‌دانان اتفاق نظر دارند که اگر مال معرض‌عنه داخل در اموال مباح شود، هر شخصی که زودتر آن را به-عنوان مالکیت متصرف شود مالک آن خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ۲-۱۲۵). برخلاف اموال مادی، اموال موجود در فضای مجازی غیر قابل تصرف است و اشخاص زیادی می‌توانند در زمان واحد آن‌ها را مورد استفاده قرار دهند؛ بنابراین امکان تصرف به‌عنوان مالکیت در این‌گونه اموال وجود ندارد و بالطبع، قابل تملک از طریق تصرف مادی طبق قاعده تسلیط نیست. به‌همین دلیل، بحث‌های گسترده‌ای درباره مالکیت چنین اموالی در حقوق معاصر صورت پذیرفته است. در نهایت، قانون با قبول نوعی حق انحصاری در این-گونه اموال برای پدیدآورندگان آن‌ها، این امکان را فراهم ساخته است تا از دست‌درازی و سوء استفاده دیگران بدون کسب اجازه از ایشان پیش‌گیری به-عمل آورد. با توجه به اینکه اعراض را سبب سقوط حق عینی دانسته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ۵۰۲) و عینی بودن مال در فضای مجازی نیز محل تردید است، این پرسش مطرح است که آیا اعراض از مالکیت در فضای مجازی مانند حق اختراع نیز ممکن خواهد بود یا نه؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت: در بررسی‌های انجام‌شده، حقوق مالکیت فکری را نیز نوعی از حقوق عینی قلمداد کرده‌اند و با همین استدلال آن را قابل ترهین می‌دانند و از طرفی در فقه نیز اعراض از حقوقی چون حق شفعه و حق خیار پذیرفته شده است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ۵۷۴-۱) و حقوق‌دانان نیز اعراض از حق انتفاع و ارتفاع و نظایر آن را پذیرفته‌اند. با وجود

۵-۳-۱. اطلاق ادله مالکیت (قاعده سلطنت و حق مالکیت)

اطلاق حدیث «الناس مسلطون علی أموالهم» حاکی از این است که پس از ایجاد مالکیت، دیگر نمی‌توان از آن روی گردانید و با این عمل مالکیت را زائل کرد. از این حدیث بر قاعده سلطنت تعبیر می‌شود. منظور از قاعده سلطنت، قاعده‌ای است که مفاد آن بیانگر داشتن توانایی انسان‌ها بر انواع تصرفات در اموال خویش است. این مفاد مورد تأیید عرف و عقلاست که با امضای شارع یا عدم‌الردع مورد پذیرش قرار گرفته است. گفتنی است گاه مستند، قاعده سلطنت، روایت نبوی «النَّاسُ مسلطونَ عَلٰی اَمْوَالِهِمْ» و گاه سیره عقلا قرار داده می‌شود. مرحوم شیخ مرتضی انصاری در مکاسب، گاه از حدیث نبوی سخن می‌گوید و گاه از قاعده سلطنت.

۵-۳-۲. استصحاب بقای مالکیت (قاعده استصحاب)

دلیل دوم مخالفان رفع مالکیت به سبب اعراض، استصحاب است. اگر شک کنیم بعد از اعراض، آن ملکیت سابق از بین رفت یا همچنان باقی است، بقای ملکیت را استصحاب می‌کنیم و می‌گوییم این مال هنوز ملک اعراض‌کننده است و با اعراض از ملکیت او خارج نشده است. برای مثال، اگر کسی مالی را پشت در منزل قرار دهد و شک کند که آیا مالکیتش درباره آن از بین رفته یا نه، استصحاب ملکیت جاری می‌شود. بنابراین مقتضای استصحاب، زایل نشدن ملکیت است (نراقی، ۱۵، ۱۴۱۵، ۳۷۳-۳۷۲؛ ایروانی، ۱۴۰۶، ۲۱۷). مقتضای اصل اولیه و قاعده استصحاب این است که

این به نظر می‌رسد با توجه به عمومات قانون مدنی، اعراض و اسقاط هر حقی به نحو جزئی مجاز است و می‌تواند یکی از موجبات زوال مالکیت محسوب شود. به نظر می‌رسد در بسیاری از آثار فقهی سقوط حقوق بر اثر اعراض مورد تأیید قرار دارد و اکثر فقها میان اعراض از مال و اعراض از حق، فرقی قائل نیستند. یعنی همچنان که اعراض را موجب زوال ملکیت می‌دانند، موجب زوال حق نیز به حساب می‌آورند و می‌گویند: دلیل خاصی وجود ندارد که فرق میان اعراض از مال و اعراض از حق را ثابت کند.

۵-۳. دیدگاه فقها درباره زوال یا عدم زوال مالکیت بر اثر اعراض و تطبیق آن با فضای مجازی

در فقه امامیه در خصوص وضعیت اعراض از مالکیت دیدگاه یکسانی وجود ندارد. دیدگاه‌ها در این زمینه را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: دیدگاهی که موافق زوال مالکیت ناشی از اعراض مالکیت است (حلی، ۱۳۸۸، ۲، ۴۰۱؛ العاملی، بی‌تا، ۴۰۰)، دیدگاهی که مطلقاً اعراض را موجب سلب مالکیت اعراض‌کننده ندانسته است (میرزای قمی، ۱۳۷۱، ۲، ۱۹ و ۲۴؛ بحر العلوم، ۱۴۰۳، ۲، ۷۵؛ ابن‌العلامة، ۱۳۸۴، ۱، ۴۹۹). در این میان، گروه سومی نیز وجود دارند که اعراض را تنها در اموال حقیر و کم‌ارزش مزیل دانسته‌اند و در سایر اموال مزیلیت آن را نپذیرفته‌اند (شهید اول، ۱۴۱۲، ۲، ۴۰۰؛ حلی علامه، بی‌تا، ۲، ۲۵۶). در مبحث بعدی این دیدگاه‌ها بررسی می‌شود.

۵-۳-۱. دیدگاه فقهای معتقد به عدم زوال مالکیت بر اثر اعراض

ملکیتی حاصل نشده است و شرعاً نیز ثابت نشده است که اعراض سبب می‌شود که مال به دیگری منتقل می‌شود.

اعراض از اموال و مالکیت در فضای مجازی شامل اشیای غیر قابل لمس مانند نام‌های دامنه و آدرس-های درگاه‌های اینترنتی است و این مفهوم به مالکیتی اطلاق می‌شود که صرفاً در درون جهان مجازی وجود دارد.

اعراض از مالکیت اموال مجازی از نظر حقوقی دارای پیامدهای اقتصادی و اجتماعی است. اهمیت اقتصادی مالکیت در فضای مجازی این است که مالکان چنین دارایی‌هایی بر روی آن کنترل دارند و منافع مالی حاصل از آن‌ها را دریافت می‌کنند. با توجه به این موضوع شناخت صحیح و مناسب از چگونگی اکتساب مالکیت از اموال مجازی و تعیین ماهیت حقوقی آن ارتباط معناداری با حقوق اموال و مالکیت دارد.

۵-۳-۲. دیدگاه زوال مالکیت بر اثر اعراض

۵-۳-۱. اصل علیت

علامه حلی، اصل علیت را برای اثبات این نظر مورد استناد قرار می‌دهد و می‌فرماید: «إذا زالت العلة زال المعلول»: «وقتی علت (احیا) زایل شود و تعطیل شود، معلول آن (ملکیت) نیز زایل می‌شود». بنابراین مال برمی‌گردد به حالت قبل که ملکیتی روی آن نبود؛ یعنی مباح می‌شود. سپس مثالی برای این مطلب می‌زند و می‌فرماید: اگر فردی آبی از رود دجله برمی‌دارد، مالک آن آب می‌شود؛ ولی به مجرد آنکه آن را به منشأش برگرداند، مالکیت او به این آب نیز از بین می‌رود؛ چون مالکیت دجله از خدا و امام است. حال که آب به منشأش

ملکیت با اعراض زائل نشود و حیازت همان‌گونه که علت حدوث ملکیت است، علت بقای آن هم هست و دوام مالکیت به دوام حیازت منوط نیست و حتی پس از رفع حیازت و رها کردن عین و چشم پوشیدن از آن از ملکیت مالک خارج نشود.

بدین ترتیب وقتی دلیلی تأییدشده بر رفع مالکیت موجود نباشد؛ پس از اعراض مالک، شک در بقای مالکیت به وجود می‌آید و این شک نمی‌تواند موجب نقض یقین ما به مالکیت پیشین او باشد (قمی، ۱۳۷۷، ۲، ۲۲). مقتضای اصل اولیه و قاعده استصحاب این است که ملکیت با اعراض زایل نمی‌شود و حیازت همان‌گونه که علت حدوث ملکیت است، علت بقای آن هم هست و دوام مالکیت منوط به دوام حیازت نیست؛ بنابراین در صورت بروز شک در وجود مالکیت پس از اعراض، اصل بر بقای آن است.

برخی از فقیهان می‌گویند هرگاه صاحب مال از مال خود اعراض کند، به واسطه چنین فعلی، مال از مالکیتش خارج نمی‌شود، یعنی اگر قصد کند رابطه خود را با آن مال قطع کند (نیت اخراج کند)، دیگری نمی‌تواند مالک آن شود (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲، ۱۶۶). فخرالمحققین بر این باور است که به طور کلی از ملکیت وی خارج نمی‌شود و دلیل خود را چنین می‌داند که اصل بقای ملک، مقتضی چنین چیزی است و اعراض را از اسباب شرعی خارج‌کننده مال از ملکیت مالکش نمی‌داند؛ چه آنکه نص و دلیلی بر اخراج به وسیله این عمل حقوقی وجود ندارد و برای دیگری نیز اباحه به وجود نمی‌آید؛ چرا که اصل بقا حرمت است (فخر-المحققین حلی، ۱۴۳۸، ۴، ۱۲۳-۱۲۲). به بیان دیگر ملکیت و زوال آن، متوقف بر اسباب شرعی است؛ بنابراین به مجرد اراده و اعراض از ملک،

خود حکایت از تلقی عقلای جامعه به امکان تملک اموال معرض عنه دارد.

در نقد این استدلال می‌توان گفت که تحقق سیره عقلاییه در این امر مسلم نیست و مخالفت بسیاری از فقها با این حکم (مکی عاملی، ۱۴۱۲، ۲-۴، ۴۰۰؛ خویی، ۱۳۶۵، ۴۵۷؛ ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰، ۲۵۶) خود دلیلی بر عدم تحقق این سیره است و اگر سیره محقق باشد در حد جواز انتفاع غیر است؛ نه تملک. با عدم تحقق سیره، مقدمه اول سیره، محقق نمی‌شود در نتیجه این دلیل قابل استناد نیست.

۵-۳-۲-۳. قاعده تسلط و حدیث سلطنت

مفاد قاعده تسلط (الناس مسلطون علی اموالهم) آن است که ملک در ید مالک و زیر سلطه اوست و عموم و شمول سلطه مالک چنین اقتضا دارد که او بتواند هرگاه بخواهد آن را از سلطه خویش خارج کند. همان‌گونه که می‌تواند با حفظ اصل ملکیت، هر وقت بخواهد مالکیت آن را به دیگری منتقل کند و چنان‌که او نتواند یکی از اموال خود را از مالکیت خود خارج کند (مثل آنکه نتواند یکی از پرندگانی را که در قفس دارد رها کند)، این محدودیت با تمامیت سلطه و کمال اختیارات او منافات خواهد داشت. برخلاف مخالفان با زوال مالکیت در نتیجه اعراض، موافقان این حدیث معتقدند عموم حدیث «الناس مسلطون علی اموالهم» اقتضا دارد که ملک زیر تسلط مالک بوده است، عموم سلطه مالک نیز مستلزم امکان خروج آن از تسلط اوست. زیرا سلطه به معنای کمال اختیار مالک به ملک است و محدود کردن مالک در خروج مال از ملکیت خود از طریق اعراض با این سلطه منافات خواهد داشت. بر این اساس، وقتی

بازگشت، مال امام می‌شود. به ظاهر این استدلال ناتمام است؛ زیرا تعبیر از احیای به علت، تعبیر دقیقی نیست و این موارد علت به معنای دقیق فلسفی نیستند، بلکه شبه‌العله‌اند. به این دلیل که اصل علت درباره وجود است، پس در امور اعتباری مثل ملکیت، صادق نیست. بنابراین نمی‌توان در اینجا نیز مثل بحث وجود، علت موجد یا محدثه و علت مبقیه را لزوماً یکی دانست و این از موارد عدم تفکیک فلسفه و حقوق است. در نتیجه دلیلی نیست که هرگاه احیای علت ملکیت باشد، بقای ملکیت نیز به ادامه احیا وابسته باشد.

۵-۳-۲-۲. سیره عقلا

یکی از دلایل مهم طرفداران نظریه زوال مالکیت بر اثر اعراض، تحقق سیره عقلاییه در تملک اموال معرض عنه است و اینکه عقلا با اموال اعراضی همانند اموال دیگر رفتار می‌کنند و بر روی آن‌ها تصرف مالکانه انجام می‌دهند و با یابنده آن‌ها مانند مالک رفتار می‌کنند. چنان‌که بعضی از ادعای سیره عقلاییه فراتر رفته‌اند و ادعای اجماع بر این مسئله دارند.

سیره مستمر مسلمانان بر آن است که شیء اعراض شده را ملک محسوب نمی‌کنند. امروزه کمتر کسی شک می‌کند درباره امکان تملک اموالی که مالکان آن‌ها از این اموال قطع علاقه کرده‌اند. برای مثال، امروزه رسم نیکویی بنا شده است که افراد و اشخاص خصوصاً در فصول سرد سال، لباس‌های خود را بر روی دیواری به نام «دیوار مهربانی» می‌گذارند تا نیازمندان، در خفا آن البسه را تملک کنند و مورد استفاده خود قرار دهند و کمتر کسی در قابل تملک بودن این اموال شک می‌کند. این

مالک می‌تواند از طریق انتقال مالکیت یا وقف، مال را از ملکیت خود خارج کند، چرا نباید بتواند از طریق اعراض دست به چنین اقدامی بزند؟ نگارنده بر این باور است که:

۱- اموال مادی از حیطة سلطنت و مالکیت مالک به صرف اعراض خارج نمی‌شود؛ زیرا مالکیت از احکام وضعی است و همان‌گونه که برای ورود چیزی در ملکیت و به‌وجود آمدن پدیده مالکیت، سبب شرعی و قانونی ضروری است در خروج از ملکیت و سلب رابطه مالکیت نیز محتاج به ناقل شرعی و قانونی است و اینکه صرف نیت یا یأس از به‌دست آوردن مال از اسباب خروج مال از ملک و سلب رابطه مالکیت محسوب شود، محتاج به اثبات است و دلیلی برای اثبات آن در دست نیست. ۲- مستفاد از روایات آن است که اگر صاحب مالی (اموال مادی) به‌دلیل یأس از به‌دست آوردن مال (مانند مال غرق‌شده) یا دشواری از به‌دست آوردن آن از مال خود اعراض کند و مال در معرض تلف باشد و شخص دیگری آن را به قصد تملک بردارد و از تلف محافظت کند، مالک آن می‌شود. بنابراین مادامی که مال در معرض تلف قرار نگرفته یا شخص دیگری هنوز قصد تملک و اقدام برای احیای آن نکرده است، مالک نخستین می‌تواند هر چند قصد اعراض کرده باشد از اعراض خود رجوع کند. با توجه به آنچه گفته شد، پاسخ مسئله دوم نیز روشن شد. مسئله دوم این بود که ملک اعراض شده چگونه و با چه شرایطی به تملک دیگری در می‌آید؟ پاسخ این است: مادام که ملک در معرض تلف قرار نگیرد از ملکیت مالک پیشین خارج نمی‌شود و بنابراین، پس از آنکه در معرض تلف قرار گرفت، اگر شخصی مال را از تضییع و تلف حفظ کند و به تعبیر احادیث و اخبار، آن را برای تملک

احیا کند، مالک آن می‌شود. البته آنچه گفته شد درباره اعراض از ملک در فضای واقعی و حقیقی بود و اگر شخصی مال خود را با اراده خویش آن‌هم در فضای مجازی برای استفاده در اختیار دیگران قرار دهد، بی‌گمان خارج از بحث خواهد بود؛ زیرا چنین اقدامی تصرف در ملک است و تفاوت شگرف با اعراض دارد که عبارت است از؛ دست برداشتن از مال و رها کردن آن.

پرسشی که در پایان این پژوهش قابل طرح است این است که آیا مالک پس از اعراض اموال در فضای مجازی می‌تواند از آن عدول کند یا خیر؟

چنان‌که گفته شد، اعراض در اموال مادی منجر به این می‌شود که آن اموال، داخل در مباحثات شوند و از این لحاظ مالک قبلی نیز مانند دیگر اشخاص، می‌تواند آن را به ملکیت مجدد خود در آورد؛ زیرا عدول از اعراض که از ایقاعات است، تنها می‌تواند به‌معنای تملیک مجدد آن محسوب شود؛ نه اینکه اعراض را بی‌اثر کند. در خصوص اموال فکری و مجازی باید گفت چون اعراض از این‌گونه اموال، آن‌ها را داخل در اموال عمومی می‌کند، در نتیجه مالک قبلی نیز دیگر نمی‌تواند آن را تملیک کند؛ بنابراین پاسخ منفی است.

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله از برخی مفاهیم بنیادی فقه، یعنی اعراض، مالکیت، مالیت، تصویر جدیدی ارائه شد و این یافته را به روابط اقتصادی در فضای مجازی تعمیم داد. یافته‌های این پژوهش تنها به فضای مجازی محدود نمی‌شود. نگاه این مقاله بر مالکیت و مالیت به همه موارد قابل تعیین است. همچنین تحلیلی که از حق و اقسام آن ارائه شده است، به

کل فقه قابل تعمیم است. پس از بررسی میان نظرها گویا برخلاف مخالفت‌هایی که درباره تأثیر اعراض بر خروج مال از مالکیت مالک از گذشته وجود داشته است، پذیرش زوال مالکیت در نتیجه اعراض با توجه به ادله طرفداران این نظر در حال حاضر بین حقوق‌دانان و فقهای معاصر با اقبال بیشتری مواجه است. می‌توان گفت که در صورت ثبوت اعراض، مالکیت اعراض‌کننده به مال معرض-عنه زائل می‌شود و در نتیجه، این مال پس از اعراض دیگر مالک خاصی ندارد.

نکته قابل توجه این است که پس از اعراض، وضعیت حقوقی اموال مادی معرض‌عنه به‌طور کامل با اموال فکری و مجازی متفاوت است. به این دلیل که مال معرض‌عنه مادی تبدیل به اموال مباح می‌شود و در نتیجه، توسط هر شخصی قابل تملک خواهد بود، اما با توجه به ماهیت اموال عمومی و معیارهای تشخیص چنین اموالی و تطبیق آن‌ها با اموال موجود در فضای مجازی، پس از اعراض، برخلاف عدم تصریح قانون‌گذار به این امر، در شمار اموال و مشترکات عمومی قرار می‌گیرد و غیر قابل تملک می‌شود. بر این اساس، اشخاص صرفاً می‌توانند به‌نحوی که قانون مشخص می‌کند از آن بهره‌مند شوند. از این رو، قانون‌گذار باید ابتدا امکان اعراض از اموال فکری را صریحاً مورد شناسایی قرار دهد و با توجه به تطابق در فضای مجازی و اموال عمومی، عنوان اموال عمومی را بر آن نهد تا تکلیف وضعیت حقوقی این دسته از اموال نیز در حقوق موضوعه روشن شود.

اگرچه بر خروج مال از مالکیت مالک به صرف اعراض، دلیل معتبری وجود ندارد؛ وجدان حکم می‌کند که اموال حقیره بعد از اعراض نمی‌توانند همچنان در مالکیت مالک باقی و غیرقابل تملک

برای یابنده؛ چه در فضای حقیقی و چه در فضای مجازی باشند. به دلیل اینکه بسیار بعید است مالک پس از اعراض از آن‌ها دوباره به آن‌ها بازگشت کند یا اگر کسی در آن‌ها تصرف کرد مورد اعتراض مالک قرار بگیرد و سیره عقلاییه در این حد محقق است. در اموال با ارزش، هیچ عاقلی این را نمی‌پسندد که به محض اعراض مالک، صرفاً به سبب اعراض مالک و بدون هیچ سبب شرعی دیگری، مال از مالکیت مالک خارج شود و به تصرف دیگران درآید. موارد زیادی در جامعه وجود دارد که مالکان به‌ویژه در فضای حقیقی و اموال غیرمنقول، بعد از گذشت سال‌ها از اعراض خود دوباره به‌سوی اموال خود بازگشته‌اند و آن‌ها را مطالبه کرده‌اند و حتی علیه کسانی که در آن‌ها تصرف کرده‌اند و تخلیه نکرده‌اند به اقامه دعوی پرداخته‌اند؛ مانند مورد واقعی در فضای جامعه و اتفاقاتی که پس از انقلاب اسلامی ایران و بعد از تصرف اموال ضد انقلابیون فراری اتفاق افتاد.

این دلیل، زمانی پذیرفتنی‌تر می‌شود که ببینیم در آثار فقهی، اکثریت مثال‌هایی که برای اعراض مطرح شده است و بیشترین کاربرد قاعده اعراض در امور کم‌اهمیت است که عرفاً و غالباً اعراض از آن‌ها به معنای صرف‌نظر مالک از مالکیت خویش است و این مطلب گویای آن خواهد بود که پیش-فرض موافقان قاعده اعراض، اعراض در چنین مواردی بوده است و به عنوان یک مسئله ارتکازی و مسلم فیه به آن نگاه کرده‌اند که اموال موجود در فضای مجازی نیز از همین موارد است.

اموال مهم و با ارزش که معمولاً مالکان، به سادگی از آن‌ها گذشت نمی‌کنند؛ به‌خصوص از آن جنبه که تصرف در مال غیر، بدون علم قطعی به رضایت

مالک، مصداق غصب است و هیچ فقیهی نمی‌تواند به جواز آن حکم دهد.

نتیجه اینکه میان فقها، درباره تأثیر اعراض بر زوال مالکیت مالک، سه نظریه مطرح است؛ بعضی اعراض را به‌طور مطلق موجب زوال مالکیت مالک می‌دانند. برخی دیگر، چنین تأثیری برای آن قائل نیستند. گروه سوم نیز اعراض را صرفاً در اموال کوچک و کم‌ارزش، موجب زوال مالکیت مالک دانسته‌اند؛ ولی چنین تأثیری را درباره املاک و اموال غیرمنقول، قائل نیستند.

با توجه به موارد فوق، نتایج زیر استنباط می‌شود:

الف) در فضای حقیقی و مجازی به صرف اعراض، مال از حیطة سلطنت و مالکیت مالک خارج نمی‌شود؛ زیرا مالکیت از احکام وضعی است و همان‌گونه که در ورود چیزی به ملکیت و به‌وجود آمدن پدیده مالکیت، سبب شرعی و قانونی ضروری است در خروج چیزی از ملکیت و سلب رابطه مالکیت نیز وجود ناقل شرعی و سبب قانونی ضرورت دارد. اینکه صرف نیت یا یأس از به‌دست آوردن مال از اسباب خروج مال از ملک و سلب رابطه مالکیت محسوب شود، محتاج به اثبات است و دلیلی برای اثبات آن در دست نیست.

ب) مستفاد از روایات آن است که اگر صاحب مالی به‌دلیل یأس از به‌دست آوردن آن (مانند غرق شدن مال) یا دشواری این امر از مال خود اعراض کند و مال در معرض تلف باشد و شخص دیگری آن را به‌قصد تملک بردارد و از آن محافظت کند، مالک آن می‌شود. بنابراین مادام که مال در معرض تلف قرار نگرفته است یا شخص دیگری هنوز قصد تملک آن را نکرده است و برای احیای آن اقدامی انجام نداده است، مالک نخستین هرچند قصد

اعراض کرده باشد، می‌تواند از اعراض خود رجوع کند.

البته آنچه گفته شد بیشتر درباره اعراض از ملک بود و اگر شخص، مال خود را در فضای حقیقی و مجازی با اراده خویش برای استفاده در اختیار دیگران قرار دهد، بی‌گمان خارج از بحث خواهد بود. چنین اقدامی تصرف در ملک است و با اعراض که دست برداشتن از ملک و رها کردن آن است، تفاوت بسیار دارد.

۷. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این پژوهش مساعدت و همکاری کردند تقدیر و تشکر می‌کنم.

۸. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به‌صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

فهرست منابع

فارسی

- انصاری، شیخ مرتضی، المكاسب، دارالحکمه، جلد ۲، چاپ چهارم، قم، ۱۳۶۶.
- ایروانی، علی، جمان السلك فی الاعراض عن الملك، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۰۶.
- بحر العلوم، سید محمد، بلغة الفقيه؛ شرح و تعلیق سید محمد تقی آل بحر العلوم؛ جلد ۲، تهران، منشورات مکتبه الصادق، ۱۴۰۳.
- حلی (علامه)، جمال الدین ابی منصور الحسن بن یوسف بن علی المطهر، تذکره الفقهاء، جلد ۲، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۳۸۸.
- خویی، سید ابوالقاسم، کتاب الاجاره الاول (مستند العروه الوثقی کتاب الاجاره)، تألیف شیخ مرتضی بروجردي، قم، المطلاع العلمیه، ۱۳۶۵.
- شهید اول (مکی عاملی)، شمس الدین، الدروس - الشرعیه فی فقه الامیه، جلد ۲ و ۴، چاپ اول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲.
- طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، جلد ۲، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۲.
- العاملی (شهید ثانی) زین الدین بن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، جلد ۱۲، قم: معارف اسلامی، (بی تا).
- فخرالمحققین حلی، محمد بن حسن، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ج ۴، چ ۱، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۳۸ ق.
- قمی، میرزا ابوالقاسم، جامع الشتات، جلد ۲، تصحیح مرتضی رضوی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۷.
- کاشف الغطاء، محمد حسین، تحریر المجله، نجف اشرف، المکتبه المرتضویه، ۱۳۹۵.

- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد، اسلامی، تهران، چاپ بیست و پنج، ۱۳۸۰.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، باز پژوهش اعراض از ملکیت در فقه و حقوق جمله فقه و اصول، شماره ۸۹، ۱۳۹۱.
- خامنه‌ای، سید علی، رساله آموزشی جلد دوم احکام معاملات، تهران، انتشارات فقه روز، ۱۳۹۸.
- شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، چاپ پنجم، تهران: انتشارات المجد، ۱۳۸۱.
- کاتوزیان، ناصر، اعمال حقوقی: قرارداد و ایقاع، چاپ هشتم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱.
- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، چاپ چهل و هفتم، تهران شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی، چاپ چهارم، بی جا، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۰.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ج ۱، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، ۱۴۲۶.

عربی

- ابن ادريس حلی، ابی جعفر محمد بن منصور بن احمد، السرائر، چاپ دوم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۰.
- ابن العلامه، ابیطالب محمد بن الحسن بن یوسف مطهر الحلی، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، تعلیق، سید حسن الموسوی الکرمانی و شیخ علی پناه الاشتهاردی، الطبعة الاولى، ۱۳۸۴.

- محقق حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد ۳، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸.
- محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه: بخش مدنی دو، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۶۹.
- محقق داماد، قواعد فقه، (۱۴۰۶ق)، جلد ۶۱، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ق.
- میزاری قمی، جامع الشتات، جلد ۲، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۱.
- نراقی، احمد، مستندالشیعه فی احکام الشریعه، جلد ۱۵، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۵ق.

انگلیسی

- Froehlich, Annette (2021), Outer Space and Cyber Space: Similarities, Interrelations and Legal Perspectives, Springer International Publishing, London, first publishing.
- Oakley, Jacob G. (2020), Cybersecurity for Space: Protecting the Final Frontier, Apress, London, first publishing.
- Schmitt, Michael N. (2017), Tallinn Manual 2.0 on the International Law Applicable to Cyber Operations, Cambridge University Press, Cambridge, first publishing.
- Taplin, Ruth (2020), Cyber Risk, Intellectual Property Theft and Cyberwarfare: Asia, Europe and the USA, Taylor & Francis, Hague, first publishing.
- Taplin, Ruth (2023), Artificial Intelligence, Intellectual Property, Cyber Risk and Robotics: A New Digital Age, Taylor & Francis, Hague, first publishing.

